

A Comparative Analysis of Universal Jurisdiction in the Criminal Laws of Iran, Turkey, and Afghanistan

Mohamad Setayeshpur¹, Zahra Hosseini Rad², Muhaddiseh Barzegarsaray³

1. Associate Professor, Department of International Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom (Corresponding Author), Email: m.setayeshpur@qom.ac.ir
2. Master's Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom, Email: zahrahosseinyrad@yahoo.com
3. PhD Student in International Law, Faculty of Law, University of Qom, Iran, Qom, Email: brzgrm309@gmail.com

Abstract

The principle of universal jurisdiction is one of the modern manifestations of the expansion of the state criminal jurisdiction in the international arena, under which states are authorized to prosecute and punish perpetrators of international crimes, regardless of their nationality or the place of the offense. It reflects the collective will of the international community to combat crimes that shock the conscience of humanity. This study, through an analytical-comparative approach, examines the theoretical foundations and legislative frameworks of universal jurisdiction within the legal systems of Iran, Turkey and Afghanistan. In Iranian law, Article 9 of the Islamic Penal Code is the most important document for the application of this principle, but its limited scope of crimes and narrow interpretations have hindered its effective implementation. In Turkey, Article 13 of the Penal Code encompasses a broader range of international crimes, although its dependence on the authorization of the Ministry of Justice has undermined judicial independence. In Afghanistan, Article 26 of the Penal Code 2016 has taken a fundamental step in harmonizing with international obligations by explicitly accepting this principle, but institutional weakness and political instability have prevented its effective realization. The results of the research show that the effectiveness of the principle of universal jurisdiction in the three countries requires reform of the legislative structure, specialized training of judges, and the development of regional cooperation in the field of criminal justice.

Keywords: comparative criminal law, universal jurisdiction, Turkish penal code, article 9 of the Islamic penal code, Afghan penal code.

Received: 09/09/2025;

Revised: 04/12/2025;

Accepted: 04/02/2026

How To Cite: Setayeshpour, Mohammad; Hosseini Rad, Zahra & Barzegarsaray, Muhaddiseh (2026). A Comparative Analysis of Universal Jurisdiction in the Criminal Laws of Iran, Turkey, and Afghanistan, *Criminal Law Doctrines of Islamic Countries*, 3 (1), 52-71.
<http://www.doi.org/10.22091/dclic.2026.13845.1112>





واکاوی تطبیقی صلاحیت جهانی در حقوق ایران، ترکیه و افغانستان در پرتو فقه امامیه و اسناد بین‌المللی

محمد ستایش پور^۱، زهرا حسینی راد^۲، محدثه برزگر سرائی^۳

۱. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم (نویسنده مسئول)، رایانامه: m.setayeshpur@qom.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: zahrahosseinyrad@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه قم، ایران، قم، رایانامه: brzgrm309@gmail.com

چکیده

اصل صلاحیت جهانی یکی از جلوه‌های نوین گسترش صلاحیت کیفری دولت‌ها در عرصه بین‌المللی است که به موجب آن، کشورها مجازند بدون توجه به تابعیت مرتکب یا محل وقوع جرم، مرتکبان جرائم بین‌المللی را تحت پیگرد و مجازات قرار دهند. این اصل، تجلی اراده جامعه بین‌المللی برای مقابله با جنایاتی است که وجدان بشریت را جریحه‌دار می‌سازد. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی تطبیقی، مبانی نظری و قلمرو تقنینی اصل صلاحیت جهانی را در نظام‌های حقوقی ایران و ترکیه و افغانستان مورد بررسی قرار می‌دهد. در حقوق ایران، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مهم‌ترین مستند اعمال این اصل است، اما محدود بودن شمول جرائم و تفسیرهای مضیق، اجرای کامل آن را با مانع روبه‌رو ساخته است. در ترکیه، ماده ۱۳ قانون جزا دامنه گسترده‌تری از جرائم بین‌المللی را در برمی‌گیرد، هرچند وابستگی آن به مجوز وزارت دادگستری، استقلال قضایی را تضعیف کرده است. در افغانستان نیز ماده ۲۶ قانون جزای ۱۳۹۵ با پذیرش صریح این اصل، گامی اساسی در هماهنگی با تعهدات بین‌المللی برداشته، اما ضعف نهادی و ناپایداری سیاسی مانع تحقق مؤثر آن شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کارآمدی اصل صلاحیت جهانی در سه کشور، مستلزم اصلاح ساختار تقنینی، آموزش تخصصی قضات و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای در حوزه عدالت کیفری است.

کلیدواژه‌ها: حقوق کیفری تطبیقی، صلاحیت جهانی، قانون جزای ترکیه، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، قانون جزای افغانستان.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

استناد: ستایش پور، محمد؛ حسینی راد، زهرا و برزگر سرائی، محدثه (۱۴۰۵). واکاوی تطبیقی صلاحیت جهانی در حقوق ایران، ترکیه و افغانستان در پرتو فقه امامیه و اسناد بین‌المللی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۳ (۱)، ۷۱-۵۲. <http://www.doi.org/10.22091/dcl.2026.13845.1112>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

صلاحیت کیفری از بنیادی‌ترین مباحث حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری است و همواره در حقوق داخلی و بین‌المللی کشورها جایگاه ویژه‌ای داشته است. در میان انواع صلاحیت‌ها، صلاحیت جهانی به سبب کارکرد خاص خود در مقابله با جرائم فراملی و بین‌المللی نظیر نسل‌کشی، شکنجه، جنایات جنگی و قاچاق انسان، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. این اصل، نمود بارز گرایش جامعه بین‌المللی به عدالت کیفری جهانی و مسئولیت مشترک دولت‌ها در تعقیب مرتکبان جنایات شدید علیه بشریت به شمار می‌آید.

در حقوق ایران، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبنای اصلی پذیرش صلاحیت جهانی است و به دولت ایران اختیار می‌دهد نسبت به جرائمی که در خارج از قلمرو سرزمینی کشور واقع شده، اما مرتکب در ایران یافت می‌شود، اعمال صلاحیت کند. هرچند این ماده از حیث تقنین بیانگر گامی مثبت در همسویی با اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل کیفری است، اما به دلیل کلی‌گویی در تعیین جرائم مشمول، ابهام در ارتباط آن با معاهدات بین‌المللی و فقدان رویه قضایی مشخص، کارآمدی عملی آن با چالش‌هایی روبه‌روست. به‌رغم تلاش برخی از پژوهشگران داخلی در تبیین ابعاد نظری صلاحیت جهانی و علی‌آبادی (۱۳۹۴) در بررسی مبانی عمومی صلاحیت کیفری، هنوز تبیین تطبیقی این اصل در نظام کیفری ایران و کشورهای منطقه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در ترکیه با اصلاحات کیفری سال ۲۰۰۴ و تصویب قانون جزای جدید (Turkish Penal Code)، مقررات صریحی درباره صلاحیت جهانی وضع گردید. ماده ۱۳ این قانون، ضمن تعیین مصادیق مشخصی از جرائم بین‌المللی مانند شکنجه، جنایات جنگی و فساد گسترده، به محاکم ترکیه اجازه می‌دهد مرتکبان این جرائم را صرف‌نظر از محل ارتکاب یا تابعیت آنان مورد پیگرد قرار دهند. آثار پژوهشگرانی چون اوزگنچ (۲۰۱۸) و آکسر (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که ترکیه با اصلاح ساختار تقنینی خود، درصدد انطباق بیشتر با تعهدات بین‌المللی ناشی از عضویت در شورای اروپا و کنوانسیون‌های ژنو بوده است. با این حال، الزام به کسب اجازه از وزارت دادگستری در اجرای صلاحیت جهانی از مهم‌ترین انتقاداتی است که بر نظام کیفری ترکیه وارد شده و موجب تردید در استقلال قوه قضاییه این کشور شده است.

در افغانستان نیز قانون‌گذار با تصویب قانون جزای ۱۳۹۵ (۲۰۱۷ میلادی) گامی اساسی در جهت پذیرش صریح اصل صلاحیت جهانی برداشته است. ماده ۲۶ این قانون، محاکم افغانستان را مجاز می‌داند تا نسبت به

مرتکبان جرائمی که طبق معاهدات بین‌المللی قابل پیگرد هستند، حتی در صورت ارتکاب در خارج از کشور، اعمال صلاحیت کنند. این مقرر با الهام از اساسنامه رم و کنوانسیون‌های بین‌المللی، افغانستان را در زمره نظام‌های حقوقی پیشرو در میان کشورهای اسلامی از حیث انطباق با حقوق بین‌الملل کیفری قرار داده است (احمدزی، ۱۴۰۰؛ حسینی، ۱۳۹۸). با این وجود، ناپایداری سیاسی و ضعف نهادهای قضایی این کشور، مانع تحقق کامل اهداف قانون‌گذار در اجرای عملی این اصل شده است. در سطح بین‌المللی نیز آثار نویسندگانی چون کای آمبوس (Ambos, 2013)، سدریک رینگارت (Ryngaert, 2015) و شریف باسیونی (Bassiouni, 2001) مبانی نظری و چالش‌های عملی صلاحیت جهانی را از منظر حقوق بین‌الملل کیفری بررسی کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که اعمال صلاحیت جهانی در سطح ملی بدون سازوکارهای قضایی مؤثر، ضمانت اجرایی کافی ندارد و تحقق عدالت جهانی نیازمند پیوند میان تقنین داخلی و تعهدات بین‌المللی است. با وجود تصویب مقررات مرتبط با صلاحیت جهانی در ایران و ترکیه و افغانستان، همچنان تردیدهایی درباره میزان انطباق این مقررات با معیارهای حقوق بین‌الملل کیفری و کارآمدی اجرایی آن‌ها وجود دارد. از این رو پرسش اصلی آن است که این سه نظام حقوقی تا چه اندازه توانسته‌اند صلاحیت جهانی را مطابق تعهدات بین‌المللی و اقتضائات داخلی به صورت مؤثر اعمال کنند.

به طور اجمالی، فرض پژوهش این است که هرچند ایران و ترکیه و افغانستان اصل صلاحیت جهانی را در قوانین خود پذیرفته‌اند، اما تفاوت در شیوه تقنین و سازوکارهای اجرایی موجب شده کارآمدی عملی این اصل در سه کشور یکسان نباشد. این پژوهش با رویکردی تحلیلی تطبیقی انجام شده و بر پایه مطالعه اسنادی، بررسی قوانین کیفری ایران و ترکیه و افغانستان، تحلیل اسناد بین‌المللی مرتبط و ارزیابی دیدگاه‌های فقهی صورت گرفته است. داده‌های تحقیق از متون قانونی، آرای معتبر حقوق بین‌الملل کیفری، آثار کلاسیک و معاصر فقه امامیه و منابع دانشگاهی استخراج شده است. مقایسه میان سه نظام حقوقی با روش مقایسه سلسله‌مراتبی (Hierarchical Comparative Method) انجام شده؛ بدین معنا که ابتدا مبانی نظری، سپس ساختار تقنینی و در نهایت چالش‌های اجرایی این سه نظام در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. هدف روش‌شناختی پژوهش، تبیین نقاط اشتراک، افتراق و خلأهای تقنینی هر کشور در اعمال صلاحیت جهانی است. در این مقاله، ابتدا مبانی نظری صلاحیت جهانی تبیین و سپس قوانین سه کشور بررسی شده و در نهایت چالش‌های اجرایی و نتایج تطبیقی تحلیل می‌شود.

۱. تبیین مفهوم صلاحیت جهانی

اصل صلاحیت جهانی^۱ در اسناد بین‌المللی از زمره اصول بنیادی در نظام عدالت کیفری بین‌المللی است که بر پایه اندیشه‌ای هنجاری و انسان‌مدارانه استوار است. بر اساس این اصل، برخی جرائم به دلیل شدت، ماهیت و تأثیراتشان بر وجدان عمومی بشریت، از صلاحیت سرزمینی دولت‌ها فراتر رفته و در حوزه صلاحیت جمعی جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرند. این جرائم که تحت عنوان (*delicta juris gentium*) شناخته می‌شوند، شامل نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، شکنجه و دیگر اعمال نقض‌کننده حقوق بنیادین انسانی هستند (Bassiouni, 2001: 37). منطق بنیادین این اصل آن است که مرتکبان چنین جرائمی، نه تنها در برابر بزه‌دیدگان یا دولت‌های خاص بلکه در برابر وجدان بشریت پاسخگو هستند و از این رو هر دولتی، به عنوان عضو جامعه بین‌الملل، حق و تکلیف دارد آنان را مورد تعقیب قرار دهد.

ریشه‌های نظری این اصل در اسناد بین‌المللی معاصر، از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹)، کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) و اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) به وضوح قابل مشاهده است. این اسناد نه تنها اعمال صلاحیت جهانی را مجاز شمرده، بلکه در مواردی دولت‌ها را مکلف کرده‌اند تا در صورت حضور متهم در قلمروشان، وی را یا محاکمه کنند یا مسترد نمایند (*aut dedere aut judicare*). به این ترتیب، اصل صلاحیت جهانی در نظام بین‌الملل معاصر از جنبه صرفاً اختیاری فراتر رفته و واجد خصیصه الزام‌آور شده است (Ryngaert, 2015: 42).

در حوزه حقوق اسلامی، مبانی فقهی اصل صلاحیت جهانی را می‌توان در مفاهیمی همچون «افساد فی الارض»، «نفی سبیل» و «امر به معروف و نهی از منکر» جست‌وجو کرد. از منظر فقه جزایی اسلام، جرائمی که نظم عمومی بشریت را مختل می‌کنند، به گونه‌ای از مصادیق افساد فی الارض تلقی می‌شوند که مقابله با آن‌ها محدود به مرزهای جغرافیایی یا تابعیت مسلمانان نیست. بر این اساس، فقهای چون علامه حلی و ابن‌قدامة جواز تعقیب چنین جرائمی را به شرط تحقق مصلحت عامه جایز دانسته‌اند، در حالی که فقهای متأخر مانند شهید صدر و فضل‌الله با تکیه بر نظریه «ولایت عامه امت اسلامی» آن را تکلیف شرعی دولت اسلامی قلمداد کرده‌اند (صدر، ۱۴۰۰: ۹۱؛ فضل‌الله، ۱۳۹۸: ۶۴). بدین ترتیب، اصل صلاحیت جهانی از منظر فقه امامیه می‌تواند در چارچوب قاعده نفی سبیل و مسئولیت جهانی اسلام نسبت به عدالت و کرامت انسان‌ها تفسیر شود.

1 . Universal Jurisdiction

در نظام حقوقی ایران، تجلی عملی این مبانی فقهی در ماده ۹ قانون مجازات اسلامی^۱ (۱۳۹۲) قابل مشاهده است. این ماده، ضمن انعکاس پذیرش مشروط اصل صلاحیت جهانی، ارتباط میان تعهدات بین‌المللی و اصول فقهی عدالت را برقرار می‌کند. با این حال، محدود بودن جرائم مشمول و ضرورت وجود «قانون خاص» موجب شده است که اصل مزبور جنبه‌ای نظری یافته و در عمل با مانع حصری بودن مصادیق مواجه گردد.

در ترکیه، پذیرش اصل صلاحیت جهانی در ماده ۱۳ قانون جزای ۲۰۰۴ (Türk Ceza Kanunu) متجلی است. این ماده مقرر می‌دارد که دادگاه‌های ترکیه نسبت به جرائمی از قبیل نسل‌کشی، شکنجه و قاچاق انسان، بدون توجه به محل وقوع یا تابعیت مرتکب دارای صلاحیت‌اند. فلسفه قانون‌گذار ترکیه در این خصوص، بر پایه نظریه «حمایت از وجدان عمومی بشریت» استوار است که از آموزه‌های حقوق جزای عمومی اروپایی اقتباس شده (Demirbaş, 2019: 214). با این حال، ماده مزبور شرطی را مقرر می‌دارد مبنی بر آنکه تعقیب کیفری در این موارد منوط به صدور اجازه از سوی وزارت دادگستری است؛ شرطی که به زعم بسیاری از حقوق‌دانان ترک، موجب تداخل سیاست کیفری و سیاست خارجی گردیده و استقلال دستگاه قضایی را در اعمال صلاحیت جهانی مخدوش می‌سازد.

در افغانستان نیز قانون جزای ۱۳۹۵ با اتخاذ رویکردی نوآورانه در میان کشورهای اسلامی، در ماده ۲۶ خود تصریح کرده است. این ماده، ضمن پذیرش مستقیم اصل صلاحیت جهانی، تعهدات بین‌المللی را در حکم بخشی از حقوق داخلی تلقی کرده است. در فصل مربوط به «جرائم علیه صلح و امنیت بشری» (مواد ۳۳۲ تا ۳۴۳)، قانون‌گذار افغان مصادیقی چون جنایات جنگی، نسل‌کشی و شکنجه را نیز در صلاحیت محاکم داخلی گنجانده است (عمرزی، ۱۳۹۸: ۱۱۵). مبنای نظری این تحول، همان‌گونه که برخی شارحان افغان یادآور شده‌اند، آمیزه‌ای از مبانی فقهی حنفی و تعهدات ناشی از الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی است (احمدزی، ۱۴۰۰: ۵۵). به‌رغم اشتراک مبنایی سه نظام حقوقی یادشده در پذیرش اصل عدالت جهانی، گستره و شیوه اجرای آن در عمل متفاوت است. در ایران، تفسیر مضیق از ماده ۹ قانون مجازات اسلامی موجب شده است که صلاحیت جهانی عمدتاً در سطح نظری باقی بماند. در ترکیه، هرچند دامنه جرائم مشمول گسترده‌تر است، اما وابستگی آغاز

۱. «در مواردی که دولت ایران به موجب قانون خاص یا معاهدات بین‌المللی مکلف به تعقیب یا مجازات مرتکب باشد، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی دارند».

۲. «هرگاه شخصی در خارج از افغانستان مرتکب جرمی گردد که مطابق معاهدات بین‌المللی الحاقی دولت افغانستان قابل پیگرد باشد، محاکم افغانستان صلاحیت رسیدگی خواهند داشت».

تعقیب به اراده سیاسی دولت، موجب محدودیت در اعمال واقعی اصل گردیده است. افغانستان برخلاف دو کشور دیگر، اصل صلاحیت جهانی را صریحاً و بدون قید در قانون جزای خود پذیرفته، لیکن نارسایی‌های نهادی و کمبود نیروی انسانی متخصص و عدم استقلال دستگاه قضا مانع تحقق عملی آن شده است.

۲. مبانی قانونی صلاحیت جهانی در ایران، ترکیه و افغانستان

در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران، صلاحیت جهانی نخستین بار در قالب ماده ۹ قانون مجازات اسلامی^۱ مصوب ۱۳۹۲ وارد نظام کیفری گردید. این ماده از حیث نظری، نقطه عطفی در پذیرش اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری ایران محسوب می‌شود، اما از منظر اجرایی به دلایل متعددی با ابهامات و محدودیت‌هایی روبه‌روست. نخست آنکه، قانون‌گذار بدون تعیین مصادیق مشخص جرائم مشمول، تعیین دامنه این اصل را به «قوانین خاص» و «معاهدات بین‌المللی» واگذار نموده است؛ امری که به لحاظ نظری انعطاف ایجاد می‌کند، اما از حیث عملی موجب وابستگی اعمال صلاحیت جهانی به فرآیندهای طولانی تصویب قوانین الحاقی می‌شود (میر محمدصادقی، ۱۳۹۸: ۲۷۱).

دوم آنکه برخلاف کشورهایی که دادگاه‌های تخصصی بین‌المللی یا شعب ویژه رسیدگی به جرائم فراملی دارند، در ساختار قضایی ایران هیچ مرجع تخصصی برای رسیدگی به جرائم مشمول صلاحیت جهانی پیش‌بینی نشده است. این خلأ نهادی باعث شده تا اجرای ماده ۹ بیشتر جنبه نظری داشته باشد. سوم، در قوانین کیفری ایران تمایز روشنی میان جرائم دارای ماهیت جهانی (مانند نسل‌کشی، شکنجه و جنایات جنگی) و سایر جرائم فراملی (مانند قاچاق مواد مخدر یا انسان) وجود ندارد؛ این امر سبب خلط مفهومی میان صلاحیت جهانی و صلاحیت شخصی یا واقعی شده است (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۴۰۵).

با وجود این کاستی‌ها، ظرفیت‌های قابل توجهی برای توسعه اصل صلاحیت جهانی در حقوق ایران وجود دارد. ازجمله اصل ۷۷ قانون اساسی که به دولت اجازه می‌دهد معاهدات بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی لازم‌الاجرا نماید، می‌تواند بستر حقوقی لازم برای گسترش صلاحیت جهانی را فراهم آورد. افزون بر این، الحاق ایران به کنوانسیون‌هایی چون کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) و کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰)

۱. «هرگاه مرتکب جرم در خارج از ایران یافت شود و بر اساس قانون خاص یا معاهدات بین‌المللی که دولت ایران به آن‌ها پیوسته است، مکلف به تعقیب یا مجازات باشد، در دادگاه‌های ایران قابل تعقیب است».

تعهدات مشخصی برای تعقیب مرتکبان جرائم مشمول این اسناد ایجاد کرده است؛ اگرچه در عمل، اجرای این تعهدات مستلزم وضع قوانین مکمل و آیین‌نامه‌های اجرایی دقیق است (جعفری، ۱۴۰۰: ۹۱).

از منظر فقهی، پذیرش این اصل با مبانی شرعی نیز منافاتی ندارد؛ زیرا در نظام فقهی امامیه، دولت اسلامی مأمور به مقابله با مفاسدی است که امنیت جمعی امت را تهدید می‌کند. از این رو، اعمال صلاحیت جهانی می‌تواند در قالب «امر به معروف و نهی از منکر جهانی» و «دفع افساد فی الارض» تبیین شود. با این حال، محدودیت‌های سیاسی و برداشت‌های سنتی از مفهوم حاکمیت، مانع اصلی در توسعه این اصل در سطح تقنین و اجرا بوده است.

نظام کیفری ترکیه یکی از نمونه‌های بارز تحول در پذیرش اصل صلاحیت جهانی در میان کشورهای اسلامی و منطقه‌ای است. این اصل در ماده ۱۳ قانون جزای ترکیه مصوب ۲۰۰۴^۱ (Türk Ceza Kanunu) به صورت صریح مورد شناسایی قرار گرفته است. این ماده نسبت به نسخه پیشین قانون جزای ترکیه (مصوب ۱۹۲۶) تحول قابل توجهی محسوب می‌شود، چراکه علاوه بر جرائم علیه امنیت ملی، جرائم مشمول کنوانسیون‌های بین‌المللی را نیز در قلمرو صلاحیت محاکم داخلی قرار داده است. افزون بر آن، ماده یاد شده مقرر می‌دارد که آغاز تعقیب در چنین مواردی نیازمند اجازه وزارت دادگستری است. بدین ترتیب، هرچند از نظر شکلی صلاحیت جهانی پذیرفته شده، اما از حیث ماهوی به نوعی نظارت سیاسی مقید شده است (Özgenç, 2020: 312).

در عمل، ترکیه با تکیه بر همین ماده در چند پرونده مهم بین‌المللی از جمله قضیه شکنجه در سوریه (۲۰۱۷) و پرونده قتل خاشقچی (۲۰۱۹)، کوشیده است از اصل صلاحیت جهانی برای تقویت مشروعیت سیاست جنایی خارجی خود استفاده کند. هرچند این رویه‌ها از سوی برخی منتقدان به عنوان بهره‌برداری سیاسی از عدالت کیفری مورد نقد قرار گرفته، اما در مجموع بیانگر تمایل نظام ترکیه به ایفای نقش فعال در اجرای تعهدات بین‌المللی است (Demir, 2021: 203).

از حیث نظری، پذیرش صلاحیت جهانی در ترکیه به‌ویژه با عضویت این کشور در شورای اروپا و الحاق به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR) تقویت شده است. دادگاه‌های ترکیه در برخی آراء، با استناد به بندهای ۱ و ۲ ماده ۶ کنوانسیون، تعقیب مرتکبان جرائم شدید را نه صرفاً اختیار بلکه تکلیف دولت در قبال جامعه

۱. «اگر شخصی در خارج از ترکیه مرتکب جرمی گردد که علیه منافع دولت ترکیه یا بر خلاف اصول حقوق بین‌الملل باشد، دادگاه‌های ترکیه صلاحیت رسیدگی خواهند داشت، حتی اگر جرم در خارج از قلمرو ملی ارتکاب یافته باشد و مرتکب یا بزه‌دیده تبعه ترکیه نباشند».

بین‌المللی دانسته‌اند. افزون بر این، ترکیه در راستای همگرایی با نظام کیفری بین‌المللی، مفاهیم «مسئولیت بین‌المللی فرد» و «جرائم علیه وجدان بشریت» را وارد ادبیات قانون جزای خود کرده است.

با این وجود، شرط اجازه وزارت دادگستری همچنان محل انتقاد است؛ زیرا به تعبیر دکترین، این قید موجب «سیاسی‌سازی صلاحیت قضایی» می‌شود و استقلال قاضی را در رسیدگی به جرائم بین‌المللی مخدوش می‌سازد. با این همه از نظر ساختاری و قانونی، ترکیه در میان کشورهای اسلامی یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌ها در پذیرش صلاحیت جهانی به شمار می‌رود و می‌تواند الگویی برای کشورهای نظیر ایران و افغانستان باشد.

در نظام حقوقی افغانستان، پذیرش اصل صلاحیت جهانی پدیده‌ای نسبتاً نو اما ساختاری و شفاف است که برای نخستین بار با تصویب قانون جزای ۱۳۹۵ (برابر با ۲۰۱۷ میلادی) وارد منظومه تقنینی کشور گردید. قانون‌گذار افغان در ماده ۲۶ این قانون،^۱ اصل صلاحیت جهانی را با بیانی صریح و منطبق بر استانداردهای بین‌المللی به رسمیت شناخته است. این ماده از حیث مفهومی واجد دو خصیصه متمایز است: نخست، پذیرش مستقیم تعهدات بین‌المللی در ساختار حقوق داخلی بدون نیاز به قانون مکمل؛ دوم، گسترش قلمرو صلاحیت کیفری دولت به جرائمی که حتی فاقد عنصر سرزمینی یا تابعیتی هستند. چنین رویکردی را می‌توان تجلی نوعی (monist approach) در حقوق بین‌الملل دانست؛ زیرا افغانستان، برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه، تعهدات بین‌المللی خود را به‌صورت خودکار در نظام تقنینی خویش قابل اجرا می‌داند (حسینی، ۱۳۹۸: ۴۵).

در فصل دوم از باب دهم همین قانون، تحت عنوان «جرائم علیه صلح و امنیت بشری» (مواد ۳۳۲ تا ۳۴۳)، مصادیق متنوعی از جرائم مشمول صلاحیت جهانی از جمله نسل‌کشی، شکنجه، جنایات جنگی، تجاوز و اعمال تروریستی پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار افغان در این بخش با الهام از اساسنامه رم (۱۹۹۸) و کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹)، نه تنها تعریف هر یک از جرائم مزبور را با دقت فنی آورده، بلکه ضمانت اجرای آن‌ها را نیز به صلاحیت دادگاه‌های ملی واگذار کرده است. این ویژگی افغانستان را در میان کشورهای اسلامی به نظامی پیشرو در الحاق مبانی حقوق بین‌الملل کیفری به حقوق داخلی تبدیل کرده است (Noormags, 2023).

با وجود این نوآوری‌ها، چالش‌های اجرایی قابل توجهی نیز در مسیر تحقق عملی اصل صلاحیت جهانی در افغانستان مشاهده می‌شود. ضعف ساختار قضایی، کمبود قضات متخصص در حقوق بین‌الملل کیفری، نبود

۱. «هرگاه شخصی در خارج از افغانستان مرتکب جرمی گردد که مطابق معاهدات بین‌المللی که دولت افغانستان به آن‌ها پیوسته است قابل پیگرد باشد، محاکم افغانستان صلاحیت رسیدگی خواهند داشت».

نهادهای حمایتی مستقل و ناپایداری سیاسی، از جمله عواملی هستند که اجرای مؤثر ماده ۲۶ را با مانع مواجه کرده‌اند (احمدزی، ۱۴۰۰: ۵۹). افزون بر آن، هرچند قانون جزای افغانستان از لحاظ شکلی با تعهدات بین‌المللی سازگار است، اما در عمل به دلیل فقدان ظرفیت نهادی و ابزارهای تحقیقاتی، بسیاری از پرونده‌های مرتبط با جرائم بین‌المللی به مرحله دادرسی نمی‌رسند.

از منظر فقهی، قانون جزای افغانستان متأثر از مکتب حنفی است که در اصول خود، مقابله با مفاسد گسترده و تهدیدکننده امنیت عمومی مسلمانان را وظیفه‌ای عام بر عهده حکومت اسلامی می‌داند. از این منظر، پذیرش صلاحیت جهانی در حقوق افغانستان نه صرفاً اقتباسی از نظام‌های غربی، بلکه امتداد طبیعی اندیشه فقهی حنفی در قالب حقوق موضوعه است. همین پیوند میان مبانی فقهی و تعهدات بین‌المللی موجب شده تا در میان کشورهای اسلامی، افغانستان از حیث تقنین بیش از سایرین به معیارهای بین‌المللی نزدیک گردد.

۳. چالش‌ها و راهکارهای تقویت اصل صلاحیت جهانی در ایران و ترکیه و افغانستان

اجرای مؤثر اصل صلاحیت جهانی در هر سه نظام حقوقی ایران، ترکیه و افغانستان با مجموعه‌ای از چالش‌های نظری و تقنینی و نهادی مواجه است. نخستین چالش نظری و ساختاری، ابهام در تعیین قلمرو و مبانی الزام‌آور این اصل است. اگرچه در سطح بین‌المللی، کنوانسیون‌های ژنو و اساسنامه رم تعهدات مشخصی را بر دوش دولت‌ها گذاشته‌اند، اما در سطح داخلی تفسیر از این تعهدات به‌ویژه در کشورهای غیراروپایی، همچنان محل اختلاف است (Ryngaert, 2015: 57). در ایران و افغانستان، مباحث فقهی پیرامون مشروعیت مداخله کیفری دولت در خارج از قلمرو سرزمینی، موجب شکل‌گیری دو دیدگاه متعارض شده است: گروهی این اصل را در تعارض با حاکمیت ملی می‌دانند و گروهی دیگر آن را مصداق مسئولیت اخلاقی و دینی دولت اسلامی برای حمایت از عدالت جهانی تلقی می‌کنند.

چالش دوم، حصری بودن فهرست جرائم مشمول صلاحیت جهانی است. همان‌طور که به‌درستی از این مباحث متوجه شدیم که در صورت الحاق دولت‌ها به کنوانسیون‌های جدید، فقدان انعطاف در قوانین داخلی باعث می‌شود صلاحیت جهانی تنها به جرائم مندرج در قوانین موجود محدود بماند. در ایران، چنین محدودیتی سبب شده که حتی با تصویب معاهدات جدید، بدون اصلاح قوانین داخلی، امکان اعمال این اصل فراهم نباشد. در ترکیه نیز هرچند قانون جزا مصادیق متنوعی را برشمرده، اما در حوزه‌هایی چون جرائم سایبری و زیست‌محیطی یا اقتصادی، هنوز مقررۀ صریحی در زمینه صلاحیت جهانی وجود ندارد. در افغانستان نیز گرچه قانون جزای

۱۳۹۵ از این حیث پیشرفته‌تر است، اما ضعف در اجرای مؤثر و تفسیر مضیق از ماده ۲۶، قلمرو واقعی این اصل را محدود ساخته است. در این زمینه، یکی از مسائل بنیادین آن است که قوانین داخلی معمولاً فهرستی بسته از جرائم مشمول صلاحیت جهانی ارائه می‌کنند. این در حالی است که دولت‌ها به‌طور مستمر به کنوانسیون‌های جدیدی می‌پیوندند که جرائم بیشتری را در زمره جنایات بین‌المللی قابل پیگرد قرار می‌دهند. از آنجا که اصلاح قوانین داخلی فرآیندی زمان‌بر و گاه دشوار است، در عمل ممکن است میان تکالیف بین‌المللی جدید و ظرفیت قانونی داخلی تعارض ایجاد شود. این وضعیت می‌تواند اجرای اصل صلاحیت جهانی را با تأخیر یا عدم تحقق مواجه سازد؛ زیرا دادگاه‌ها تا زمان اصلاح قانون، اختیار رسیدگی به جرائم جدید را ندارند. بنابراین، فقدان انعطاف‌پذیری تقنینی یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در کارآمدسازی اصل صلاحیت جهانی در این سه کشور به شمار می‌رود. چالش سوم، وابستگی اجرای صلاحیت جهانی به ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک است. در ترکیه الزام به کسب اجازه از وزارت دادگستری در پرونده‌های مشمول صلاحیت جهانی، سبب شده که این اصل عملاً تابع سیاست خارجی دولت گردد و استقلال قوه قضاییه در رسیدگی به جرائم بین‌المللی تضعیف شود. در ایران نیز، از آنجا که قوه قضاییه در اجرای تعهدات بین‌المللی نیازمند هماهنگی با دولت است، اراده سیاسی در تعقیب مرتکبان جرائم بین‌المللی نقشی تعیین‌کننده دارد. این وضعیت در افغانستان به مراتب شدیدتر است؛ زیرا ساختار قضایی این کشور از حیث بودجه و انتصاب‌ها به شدت وابسته به نهاد اجرایی بوده و این امر، اعمال مستقل صلاحیت جهانی را دشوار ساخته است (Hosseini, 2021: 66).

چهارمین چالش، کمبود ظرفیت نهادی و انسانی در دستگاه قضایی است. اعمال صلاحیت جهانی نیازمند قضات، دادستان‌ها و ضابطان آموزش دیده در زمینه حقوق بین‌الملل کیفری است. در حالی که در نظام‌های مورد بررسی، آموزش قضایی در این حوزه هنوز جایگاه تثبیت شده‌ای ندارد. در ایران، واحدهای تخصصی در قوه قضاییه عمدتاً به جرائم سازمان یافته داخلی محدودند؛ در ترکیه تمرکز بیشتر بر تطبیق قوانین اروپایی است و در افغانستان، نهادهای آموزشی به دلیل ناپایداری سیاسی و کمبود منابع انسانی کارآمد، عملاً کارایی لازم را ندارند. در چالش‌های رویه‌ای و قضایی از منظر آیین دادرسی، یکی از موانع عمده در اجرای اصل صلاحیت جهانی، ابهام در تعارض صلاحیت‌ها است. به بیان دیگر، مشخص نیست که در صورت وجود چند دولت مدعی صلاحیت بر یک جرم بین‌المللی، کدام دولت حق تقدم در تعقیب دارد. این مسئله در پرونده‌های بین‌المللی، از جمله قضیه پینوشه (UK, 1998) و قضیه هیسن هابر (Belgium, 2001)، محل بحث بوده است. در

نظام‌های ایران و ترکیه، هیچ مقررۀ مشخصی برای حل چنین تعارضی وجود ندارد و همین امر، خطر صدور احکام متعارض یا سیاسی را افزایش می‌دهد. افزون بر این، نبود مکانیسم همکاری قضایی بین‌المللی مؤثر، یکی دیگر از مشکلات مشترک سه کشور است. با وجود عضویت در کنوانسیون‌های مرتبط، فرآیند استرداد متهمان یا انتقال ادله کیفری به دلیل ملاحظات سیاسی و فقدان پروتکل‌های اجرایی مشترک، غالباً با بن‌بست مواجه می‌شود. برای مثال، در ترکیه درخواست‌های استرداد از کشورهایی که روابط سیاسی متشنجی دارند، معمولاً رد می‌شود؛ در ایران نیز، همکاری با نهادهایی چون اینترپل یا دیوان کیفری بین‌المللی به‌ندرت انجام می‌شود و افغانستان عملاً فاقد سامانه فعال تبادل قضایی است (Demir, 2021: 210).

چالش دیگر، ابهام در صلاحیت محاکم داخلی نسبت به اشخاص دارای مصونیت سیاسی است. در ایران و ترکیه، اصل مصونیت مقامات خارجی در قوانین داخلی تصریح نشده، اما در رویۀ قضایی رعایت می‌شود، در حالی‌که در افغانستان چنین موضوعی هنوز فاقد تبیین حقوقی است. این ابهام می‌تواند اجرای اصل صلاحیت جهانی را در پرونده‌هایی که متهمان دارای موقعیت سیاسی یا نظامی هستند، با مانع مواجه سازد. با عنایت به چالش‌های مطرح شده، می‌توان راهکارهایی برای تقویت و کارآمدسازی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های مورد مطالعه را در دو سطح تقنینی و نهادی بررسی کرد.

اولاً در سطح تقنین مهم‌ترین اقدام، بازنگری در ساختار قوانین کیفری برای تعیین دقیق جرائم مشمول صلاحیت جهانی است. در ایران پیشنهاد می‌شود ماده ۹ قانون مجازات اسلامی با الحاق تبصره‌ای تکمیلی اصلاح گردد تا ضمن اشاره به فهرستی از جرائم مشمول، امکان انطباق خودکار قوانین با معاهدات جدید فراهم شود. همچنین تدوین «قانون جامع اجرای تعهدات بین‌المللی در حوزه جرائم مشمول صلاحیت جهانی» می‌تواند مانع پراکندگی مقررات و تفسیرهای متناقض گردد (میر محمدصادقی، ۱۳۹۸: ۲۸۵).

در ترکیه بازنگری در شرط اجازه وزارت دادگستری ضروری است تا استقلال قوه قضاییه در اجرای اصل صلاحیت جهانی تضمین گردد. حذف یا تحدید این شرط می‌تواند از سیاسی شدن پرونده‌ها جلوگیری کند. علاوه بر این، گسترش فهرست جرائم مشمول، از جمله جرائم زیست‌محیطی، فساد گسترده و جرائم سایبری، می‌تواند این کشور را با روندهای نوین حقوق کیفری بین‌الملل هماهنگ‌تر سازد.

در افغانستان نیز لازم است قانون جزای ۱۳۹۵ با آیین‌نامه‌های اجرایی تفصیلی تکمیل گردد تا نحوه استناد به معاهدات بین‌المللی و فرآیند رسیدگی به جرائم بین‌المللی به‌صورت روشن تبیین شود. افزون بر آن، تصویب

قانون خاصی تحت عنوان «قانون اجرای صلاحیت جهانی» با تعریف وظایف دادگاه‌های صلاحیت‌دار، گامی مؤثر در جهت تحقق عملی این اصل خواهد بود (احمدزی، ۱۴۰۰: ۶۲).

ثانیاً در سطح نهادی، ایجاد نهادهای تخصصی و تقویت ظرفیت انسانی دستگاه قضایی از اولویت‌های اساسی است. پیشنهاد می‌شود در هر سه کشور، «شعب ویژه رسیدگی به جرائم بین‌المللی» در ساختار دادگاه‌های کیفری پیش‌بینی گردد. این شعب، با بهره‌گیری از قضات آموزش‌دیده در زمینه حقوق بین‌الملل کیفری و همکاری نزدیک با نهادهای بین‌المللی، می‌توانند نقش مهمی در تحقق عدالت فراملی ایفا کنند. همچنین، تشکیل «مرکز مطالعات تطبیقی جرائم بین‌المللی» با همکاری مشترک سه کشور، می‌تواند بستری برای تبادل داده‌های قضایی، آموزش تخصصی و هماهنگی در اجرای معاهدات فراهم آورد. این مرکز می‌تواند مشابه «European Network for Investigation and Prosecution of Genocide (ENP Genocide Network)» عمل کند که در اتحادیه اروپا تجربه موفق داشته است.

ثالثاً از منظر بین‌المللی، همکاری‌های قضایی و تبادل اطلاعات کیفری نقش کلیدی در اجرای مؤثر صلاحیت جهانی دارد. پیشنهاد می‌شود سه کشور مورد مطالعه با امضای «یادداشت تفاهم همکاری قضایی منطقه‌ای در زمینه جرائم بین‌المللی» گام بلندی در هماهنگی‌های حقوقی بردارند. این سازوکار می‌تواند شامل تبادل ادله، استرداد متهمان، انتقال محکومان و تشکیل تیم‌های تحقیقاتی مشترک باشد. در سطح کلان‌تر، ایجاد «مجمع منطقه‌ای عدالت کیفری اسلامی» برای هماهنگی میان کشورهای دارای نظام حقوقی اسلامی در اجرای تعهدات بین‌المللی نیز پیشنهاد می‌شود.

رابعاً یکی دیگر از راهکارهای اساسی، ارتقای سطح آگاهی و آموزش تخصصی در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری است. تدوین واحدهای درسی ویژه «صلاحیت جهانی و عدالت بین‌المللی» در برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، به‌ویژه در دانشگاه‌های ایران، ترکیه و افغانستان، می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نیروی انسانی متخصص شود. علاوه بر این، همکاری علمی میان دانشگاه‌ها و نهادهای قضایی می‌تواند در قالب کارگاه‌های آموزشی و پژوهش‌های مشترک گسترش یابد.

نتیجه‌گیری

اصل صلاحیت جهانی، به‌عنوان یکی از دستاوردهای ارزشمند حقوق بین‌الملل کیفری، بیانگر گذار جامعه بین‌المللی از مفهوم سنتی حاکمیت مطلق دولت‌ها به سمت تعهدات فراملی در حمایت از ارزش‌های بنیادین

بشریت است. مبنای نظری این اصل، در تعارض میان عدالت جهانی و حاکمیت ملی ریشه دارد؛ اما تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که این تعارض، با توسعه سازوکارهای نهادی و تقنینی قابل تعدیل است. بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، ترکیه و افغانستان نشان داد که هر سه کشور، علی‌رغم اشتراک در مبانی فقهی و فرهنگی، از منظر تقنینی و اجرایی در مراحل متفاوتی از پذیرش و تحقق اصل صلاحیت جهانی قرار دارند.

در ایران، ماده ۹ قانون مجازات اسلامی ظرفیت پذیرش این اصل را ایجاد کرده است، ولی به دلیل محدودیت در شمول جرائم، وابستگی به تصویب قوانین خاص و فقدان رویه قضایی مؤثر، تحقق عملی آن هنوز در حد نظری باقی مانده است. در ترکیه قانون جزای ۲۰۰۴ با پیش‌بینی صلاحیت نسبت به جرائم بین‌المللی گام مهمی در جهت هماهنگی با استانداردهای اروپایی برداشته، اما شرط اجازه وزارت دادگستری مانع استقلال قضایی کامل شده است. افغانستان نیز با درج ماده ۲۶ در قانون جزای ۱۳۹۵ و الحاق مستقیم به کنوانسیون‌های بین‌المللی، از منظر تقنین پیشرفته‌تر از دو کشور دیگر است، ولی ضعف نهادی و نبود ساختارهای قضایی تخصصی مانع اجرای مؤثر آن گردیده است.

از دیدگاه فقهی، هر سه کشور بر پایه آموزه‌های اسلامی مسئولیت دولت در قبال حفظ عدالت جهانی را پذیرفته‌اند. در مکتب امامیه و حنفیه، مقابله با مفاسدی که نظم جامعه بشری را برهم می‌زند، نه تنها جایز بلکه واجب دانسته شده است. بنابراین، اصل صلاحیت جهانی را می‌توان به عنوان مصداقی از تکلیف شرعی دولت اسلامی در حمایت از مظلومان و جلوگیری از افساد فی الارض تفسیر کرد. این مبنا می‌تواند پشتوانه‌ای قوی برای توسعه تقنینی و سیاسی اصل صلاحیت جهانی در نظام‌های اسلامی به‌ویژه ایران باشد.

با لحاظ نتایج این پژوهش، می‌توان پیشنهادی زیر را برای تقویت و کارآمدسازی اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران (و به تبع آن در سایر کشورهای منطقه) ارائه نمود:

۱. تدوین قانون جامع صلاحیت جهانی:

تصویب قانونی خاص که ضمن تبیین مفهوم، قلمرو و مصادیق جرائم مشمول صلاحیت جهانی، نحوه اجرای آن را مشخص کند، ضروری است. این قانون باید شامل مقررات روشن در خصوص تعارض صلاحیت‌ها، نحوه استرداد متهمان، همکاری قضایی بین‌المللی و حمایت از بزه‌دیدگان باشد.

۲. توسعه نهادهای قضایی تخصصی:

ایجاد شعب ویژه در دیوان عالی کشور یا دادگاه‌های کیفری بین‌المللی داخلی برای رسیدگی به جرائم جهانی، می‌تواند موجب تمرکز صلاحیت، افزایش تخصص قضات و ارتقای دقت در رسیدگی‌ها شود.

۳. اصلاح ساختار همکاری بین‌المللی:

انعقاد موافقت‌نامه‌های دو و چندجانبه با کشورهای همسایه و نهادهای بین‌المللی، برای تسهیل تبادل اطلاعات و ادله کیفری، استرداد مجرمان و اجرای احکام کیفری، از ضرورت‌های بنیادین است.

۴. هماهنگی میان تعهدات بین‌المللی و قوانین داخلی:

باید سازوکاری طراحی شود که به محض الحاق دولت ایران به کنوانسیون‌های جدید، مقررات اجرایی لازم به‌صورت خودکار یا با تصویب سریع در مجلس لازم‌الاجرا گردد تا از تأخیرهای طولانی جلوگیری شود.

۵. نهادینه‌سازی آموزش تخصصی حقوق بین‌الملل کیفری:

گنجاندن دروس تخصصی در مقاطع تحصیلات تکمیلی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشترک میان قضات، دادستان‌ها و پژوهشگران دانشگاهی و ایجاد کرسی‌های دائمی «عدالت کیفری جهانی» در دانشگاه‌های معتبر کشور، از جمله گام‌های اساسی در ارتقای دانش و مهارت قضایی است.

۶. تقویت همکاری منطقه‌ای و اسلامی:

ایجاد سازوکارهای قضایی منطقه‌ای با مشارکت کشورهای اسلامی برای پیگیری جرائم بین‌المللی، می‌تواند علاوه بر افزایش کارآمدی، از سیاسی شدن عدالت جهانی بکاهد و هم‌زمان با آموزه‌های فقهی اسلامی سازگار باشد.

۷. تضمین استقلال قضایی در اجرای اصل صلاحیت جهانی:

هرگونه قید یا شرطی که اجرای این اصل را منوط به تصمیم نهادهای سیاسی کند، باید حذف یا محدود گردد. استقلال مرجع قضایی، شرط تحقق واقعی عدالت فراملی است.

در نهایت تقویت اصل صلاحیت جهانی در ایران، ترکیه و افغانستان مستلزم هم‌زمانی اصلاح تقنین، اراده سیاسی و رشد فرهنگ حقوقی است. این سه مؤلفه، در تعامل با یکدیگر، می‌توانند شرایط تحقق عدالت جهانی را در سطح ملی و منطقه‌ای فراهم آورند. در غیر این صورت، صلاحیت جهانی صرفاً در حد یک شعار اخلاقی باقی خواهد ماند و از کارکرد واقعی خود که همانا حمایت از ارزش‌های جهان‌شمول بشریت است، بازخواهد ماند.

فهرست منابع

- احمدزی، احمدشاه (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی اصل صلاحیت جهانی در حقوق افغانستان و ایران». **فصلنامه حقوق تطبیقی اسلامی**، دوره ۲، شماره ۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹). «ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و اصل صلاحیت جهانی». **نشریه تحقیقات حقوقی**، دوره ۱، شماره ۵۱.
- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۷). **درآمدی بر حقوق جزای عمومی؛ جرم و مجرم**، جلد اول، چاپ چهارم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- بصری، عبدالخالق (۱۳۹۹). «تحلیل مبانی فقهی اصل صلاحیت جهانی در قانون جزای افغانستان». **مجله مطالعات حقوق اسلامی و تطبیقی دانشگاه کابل**، دوره ۵، شماره ۱۲.
- جعفری، محمدحسین (۱۴۰۱). «صلاحیت جهانی در پرتو کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین افغانستان». **فصلنامه حقوق جزای تطبیقی**، دوره ۷، شماره ۱.
- حسینی، محمدصادق (۱۳۹۸). «صلاحیت کیفری فراملی در پرتو قانون جزای افغانستان». **پژوهشنامه حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دوره ۹، شماره ۴.
- زارعی، علی (۱۳۹۹). «صلاحیت جهانی و جرائم بین‌المللی». **فصلنامه مطالعات حقوقی**، دوره ۱۲، شماره ۳.
- سلیمی، صادق (۱۴۰۰). «جرائم علیه اجرای عدالت در آرای دیوان بین‌المللی کیفری». **فصلنامه علمی مطالعات پلیس بین‌المللی**، شماره ۳۳.
- شاملو، سوده (۱۳۹۷). **اجرا و تفسیر قواعد بین‌المللی در محاکم ملی**. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۴). **حقوق جزای عمومی**. تهران: انتشارات سمت.
- عیسایان، جبار و عیسایان، عارفه (۱۴۰۲). «ماده ۹ قانون مجازات اسلامی، قاعده‌ای بی‌محتوا برای رسیدگی به جرائم بین‌المللی: رویکردی حقوق بشری». **فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل**، دوره ۱، شماره ۴.
- عمرزی، صدیقه (۱۳۹۸). «مبانی اصل صلاحیت جهانی در فقه اسلامی، قانون ایران و افغانستان و کنوانسیون‌های بین‌المللی». **فصلنامه مطالعات فقه و حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۲.
- کارگر، رضا (۱۳۹۷). «تحلیل تطبیقی اصل منع محاکمه مجدد در حقوق افغانستان و حقوق بین‌الملل کیفری». **پژوهشنامه حقوق کیفری تطبیقی دانشگاه خوارزمی**، دوره ۴، شماره ۳.
- گرزالدین، علیرضا و همکاران (۱۴۰۳). «ماده ۹ قانون مجازات اسلامی و رسیدگی به جرائم بین‌المللی». **مجموعه مقالات اولین همایش ملی تأثیر متقابل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در توسعه قوانین**.

میر جعفری، سید حسین، زرنشان، شهرام و رحمتی‌فر، سمانه (۱۴۰۲). «صلاحیت جهانی دادگاه‌های ایران در حقوق بین‌المللی کیفری». **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران**، دوره ۵۳، شماره ۳.

یزدانی، مهدی (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی صلاحیت جهانی در حقوق ایران و ترکیه». **مجله حقوق تطبیقی**، دوره ۸، شماره ۲.

بصیرت، عبدالکریم (۱۳۹۸). «صلاحیت جهانی در حقوق اسلام و حقوق بین‌الملل». **فصلنامه فقه و حقوق اسلامی**، دوره ۱۰، شماره ۳.

پدرام، عبدالمجید (۱۴۰۱). «جایگاه اصل صلاحیت جهانی در حقوق کیفری افغانستان». **فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلامی و بین‌المللی**، دوره ۹، شماره ۱.

تاجیک، ابراهیم (۱۳۹۷). «صلاحیت جهانی و اصول حاکم بر تعقیب بین‌المللی مجرمان». **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، دوره ۶، شماره ۲.

جلیلی، مریم (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی اعمال صلاحیت جهانی در ایران و ترکیه». **مجله پژوهش‌های نوین حقوقی**، دوره ۴، شماره ۳.

روح‌اللهی، ناصر (۱۳۹۸). «تحلیل اصل صلاحیت جهانی در پرتو کنوانسیون منع شکنجه». **مجله بین‌المللی حقوق بشر و دادرسی عادلانه**، دوره ۳، شماره ۲.

حسینی، سید رضا (۱۴۰۰). «جایگاه اصل صلاحیت جهانی در ساختار عدالت کیفری بین‌المللی». **فصلنامه حقوق تطبیقی و بین‌المللی**، دوره ۷، شماره ۴.

صادقی، مهدی (۱۳۹۵). «مبانی و قلمرو اصل صلاحیت جهانی در اسناد بین‌المللی». **پژوهشنامه حقوق کیفری تطبیقی**، دوره ۵، شماره ۱.

فدایی، وحید (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌های اجرایی اصل صلاحیت جهانی در نظام حقوقی ایران». **فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری**، دوره ۹، شماره ۲.

کاظمی، مجتبی (۱۳۹۷). «تحلیل فقهی و حقوقی اصل صلاحیت جهانی در جرائم بین‌المللی». **مجله فقه و مبانی حقوق اسلامی**، دوره ۶، شماره ۳.

محمدی، سمانه (۱۳۹۹). «اصل صلاحیت جهانی و تأثیر آن در همکاری‌های قضایی بین‌المللی». **فصلنامه مطالعات حقوق بین‌الملل و تطبیقی**، دوره ۸، شماره ۲.

نوایی، محسن (۱۳۹۶). «تبیین مبانی حقوقی اصل صلاحیت جهانی در نظام کیفری ایران». **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی ایران**، دوره ۱۱، شماره ۱.

هاشمی، حسن (۱۳۹۸). «نقش کنوانسیون‌های بین‌المللی در شکل‌گیری اصل صلاحیت جهانی». *مجله تحقیقات حقوقی* نوین، دوره ۳، شماره ۴.

References

- Akbulut, O. (2016). **Uluslararası Ceza Hukuku**. Ankara: Seçkin Yayıncılık.
- Aksar, Yusuf (2013). "Implementing International Criminal Law in Turkey: Challenges and Perspectives". *Ankara Law Review*, 10 (2), 155–176.
- Allridge, Peter (2008). **Money Laundering Law**, Oxford: Hart Publishing.
- Çalış, Sibel (2017). **Uluslararası Ceza Mahkemesi Statüsü'nün Türk Ceza Hukukuna Etkileri**, Marmara Üniversitesi Hukuk Dergisi, 9 (1), 93–118.
- Cassese, Antonio (2008). **International Criminal Law**, Oxford: Oxford University Press.
- Cedric Ryngaert (2015). **Jurisdiction in International Law**, Oxford: Oxford University Press.
- Council of Europe (2020). **Extradition and Human Rights: Handbook for Practitioners**, Strasbourg: Council of Europe Publishing.
- Demirbaş, T. (2019). **Ceza Hukuku Genel Hükümler**, 13. Baskı. Ankara: Seçkin Yayıncılık.
- Erbaş, Hakan (2020). "The Universal Jurisdiction in Turkish Criminal Law: An Analytical Approach", *Journal of Penal Law Studies*, 15 (3), 45-70.
- Gallagher, Anne (2010). **The International Law of Human Trafficking**, Cambridge: Cambridge University Press.
- İyimaya, Ahmet (2019). "Uluslararası Ceza Hukukunda Evrensel Yetki İlkesi ve Türk Hukukundaki Yansımaları", *Gazi Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, 23 (1), 211-238.
- İzzet Özgenç (2018). **Turkish Penal Law**, Ankara: Seçkin Yayıncılık.
- Kai Ambos (2013). **Treatise on International Criminal Law**, Vol. I. Oxford: Oxford University Press.
- Kaya, İ. (2021). "State Immunity and Universal Jurisdiction in International Law: Turkish Perspective", *Ankara Üniversitesi Hukuk Fakültesi Dergisi*, 70(2), 445-460.
- Nowak, Manfred & McArthur, Elizabeth (2008). **The United Nations Convention against Torture: A Commentary**, Oxford: Oxford University Press.
- Özbek, V. Ö. (2018). **Ceza Hukuku Genel Hükümler**, 12. Baskı. Ankara: Seçkin Yayıncılık.
- Özgenç, İzzet (2018). **Türk Ceza Hukuku Genel Hükümler**, 13th Edition. Ankara: Seçkin Yayıncılık.
- Yenisey, F. (2017). **Milletlerarası Ceza Hukuku**, 5. Baskı. İstanbul: Beta Yayıncılık

In Persian

- Ahmadzi, Ahmadshah (2021). "A Comparative Study of the Principle of Universal Jurisdiction in the Laws of Afghanistan and Iran", *Quarterly Journal of Comparative Islamic Law*, 2 (1), 45-72.

- Aliabadi, Abdolhossein (2015). **General Criminal Law**, Tehran: Samt Publications.
- Ardebili, Mohammad Ali (2009). "Article 8 of the Islamic Penal Code and the Principle of Universal Jurisdiction", *Journal of Legal Research*, 1 (51), 53-86.
- Basirat, Abdul-Karim (2019). "Universal Jurisdiction in Islamic Law and International Law", *Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, 10 (3), 57-81.
- Basiri, Abdul-Khaliq (2012). "Analysis of the Jurisprudential Basis of the Principle of Universal Jurisdiction in Afghan Penal Code", *Journal of Islamic and Comparative Law Studies*, Kabul University, 5 (2), 112-134.
- Eham, Gholamhossein and Borhani, Mohsen (2018). *An Introduction to General Criminal Law; Crime and Criminal*, Volume 1, Fourth Edition, Tehran: Mizan Legal Foundation.
- Fadaei, Vahid (2012). "A Study of the Challenges of Implementing the Principle of Universal Jurisdiction in the Iranian Legal System", *Quarterly Journal of Criminal Law Research*, 9 (2), 175-197.
- Garzoldin, Alireza et. al. (2024). "Article 9 of the Islamic Penal Code and the Dealing with International Crimes", *Collection of articles of the First National Conference on the Mutual Influence of International Law and Domestic Law in the Development of Laws*. Gorgan.
- Hashemi, Hassan (2019). "The Role of International Conventions in the Formation of the Principle of Universal Jurisdiction", *Journal of Modern Legal Research*, 3 (4), 255-284.
- Hosseini, Mohammad Sadeq (2019). "Transnational Criminal Jurisdiction in the Light of the Afghan Penal Code", *Journal of Criminal Law and Criminology*, 9 (4), 221-256.
- Hosseini, Sayyed Reza (2021). "The Place of the Principle of Universal Jurisdiction in the Structure of International Criminal Justice", *Comparative and International Law Quarterly*, 7 (4), 401-425.
- Issaian, Jabbar and Issaian, Arefeh (2023). "Article 9 of the Islamic Penal Code, a Meaningless Rule for Dealing with International Crimes: A Human Rights Approach", *International Criminal Law Quarterly*, 1 (4), 27-40.
- Kazemi, Mojtaba (2018). "Jurisprudential and Legal Analysis of the Principle of Universal Jurisdiction in International Crimes", *Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law*, 6 (3), 121-144.
- Jafari, Mohammad Hussein (2022). "Universal Jurisdiction in the Light of International Conventions and Afghan Laws", *Quarterly Journal of Comparative Criminal Law*, 7 (1), 73-96.
- Jalili, Maryam (2012). "A Comparative Study of the Exercise of Universal Jurisdiction in Iran and Türkiye", *Journal of Modern Legal Studies*, 4 (3), 145-170.
- Kargar, Reza (2018). "Comparative Analysis of the Principle of Non-Retrial in Afghan Law and International Criminal Law", *Journal of Comparative Criminal Law*, Kharazmi University, 4 (3), 225-246.
- Mirjafari, Seyed Hossein; Zarneshan, Shahram and Rahmatifar, Samaneh (2023). "The Universal Jurisdiction of Iranian Courts in International Criminal Law", *Quarterly Journal of Public Law Studies*, University of Tehran, 53 (3), 1653-1675.
- Mohammadi, Samaneh (2012). "The Principle of Universal Jurisdiction and its Impact on International Judicial Cooperation", *Quarterly Journal of International and Comparative Law Studies*, 8 (2), 93-

- Navaei, Mohsen (2017). "Explanation of the Legal Basis of the Principle of Universal Jurisdiction in the Iranian Criminal System", *Iranian Legal Research Quarterly*, 11(1), 65-92.
- Omarzai, Sediqah (2019). "The Principles of Universal Jurisdiction in Islamic Jurisprudence, Iranian and Afghan Law, and International Conventions", *Quarterly Journal of Jurisprudence and Comparative Law Studies*, 6 (2), 110-145.
- Pedram, Abdul Majid (2022). "The Position of the Principle of Universal Jurisdiction in Afghan Criminal Law", *Quarterly Journal of Comparative Research in Islamic and International Law*, 9 (1), 83-109.
- Rouhollahi, Nasser (2019). "Analysis of the Principle of Universal Jurisdiction in the Light of the Convention Against Torture", *International Journal of Human Rights and Fair Trial*, 3 (2), 25-54.
- Sadeghi, Mehdi (2016). "The Principles and Scope of the Principle of Universal Jurisdiction in International Documents", *Comparative Criminal Law Research Journal*, 5 (1), 111-134.
- Salimi, Sadegh (2021). "Crimes against the Administration of Justice in the Decisions of the International Criminal Court", *International Police Studies Quarterly*, 33, 10-45.
- Shamloo, Soudeh (2018). **Implementation and Interpretation of International Rules in National Courts**, Tehran: Judiciary Press and Publications Center.
- Tajik, Ebrahim (2018). "Universal Jurisdiction and the Principles Governing the International Prosecution of Criminals", *Journal of Comparative Law*, 6 (2), 95-122.
- Yazdani, Mehdi (2021). "A Comparative Study of Universal Jurisdiction in Iranian and Turkish Law", *Journal of Comparative Law*, 8 (2), 210-235.
- Zarei, Ali (2012). "Universal Jurisdiction and International Crimes", *Quarterly Journal of Legal Studies*, 12 (3), 345-364.